

استراتژی اهل بیت (علیهم السلام) در برخورد با تفسیر به رأی

هادی یعقوب زاده*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۸/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱۱/۲۱

چکیده

یکی از راه‌هایی که در طول تاریخ اسلام مورد استفاده برخی افراد و مکاتب جهت تفسیر قرآن بوده است، تفسیر به رأی می‌باشد. تفسیر به رأی یعنی تفسیر آیات قرآن بدون در نظر گرفتن قرائن متصل و منفصل و بدون توجه به روایات معصومین (ع) و بدون توجه به آیات دیگر قرآن و صرفاً بر اساس میل و نظر شخصی. در روایات از تفسیر به رأی نهی شده و از عواقب خطرناک آن همچون خروج از دایره ایمان و ورود به دایره کفر و عذاب جهنم خبر داده شده است.

با توجه به اینکه تفسیر به رأی در مقابل تفسیر به مأثور بوده و با توجه به اینکه معمولاً تفسیر به رأی دستاویزی برای مکاتب انحرافی شده، تا آیات را بر اساس میل و عقیده خویش تفسیر کنند، اهل بیت (ع) از همان آغاز با این پدیده شوم به مبارزه برخاسته‌اند. با توجه به روایات رسیده از اهل بیت (ع)، می‌توان گفت که این بزرگواران پنج استراتژی را در برخورد با تفسیر به رأی و جریان‌های انحرافی‌ای که به تفسیر به رأی برای توجیه افکار و آراء خویش دست می‌زدند، به کار می‌گرفتند: ۱- منع و تحذیر از تفسیر به رأی؛ ۲- هشدار به مفسران فاقد صلاحیت؛ ۳- تخطئه تفسیرها و برداشت‌های ناروا از قرآن؛ ۴- نشان دادن مرجع علمی جهت تفسیر صحیح قرآن؛ ۵- آموزش شیوه صحیح تفسیر قرآن کریم.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، تفسیر، تفسیر به رأی، اهل بیت (ع)، حدیث، استراتژی

* فارغ‌التحصیل سطح ۳ مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم rajja1359@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم اقیانوس بیکران معارف الهی است که از جانب خدای متعال و به واسطه وجود نازنین پیامبر گرامی اسلام (ص) برای بشریت به ارمغان آورده شده است. این کتاب آسمانی، سرشار از معارف ناب و ارزنده‌ای است که باید به واسطه تلاش و کوشش واکاوی شود و به بشر عرضه گردد. این بحر عمیق؛ که بطون مختلف دارد، در عین حالی که انسان‌های عادی نیز می‌توانند از آن بهره بگیرند، اما برای کشف حقایق آن باید دست به دامان مفسران اصلی آن، که معصومین (ع) می‌باشند؛ شد تا بتوان راه را از چاه تشخیص داد و مراتب کمال و سعادت را طی کرد. به فرموده قرآن کریم «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل: ۴۳).

اما متأسفانه از همان آغاز نزول قرآن برخی ترجیح دادند که کلام خدا را بر اساس میل و تشخیص خود تفسیر کرده و به سراغ عالمان حقیقی به قرآن نروند. این پدیده شوم؛ که همان تفسیر به رأی است، بعد از رحلت پیامبر اعظم (ص) توسعه یافت و با کنار زدن امامان معصوم (ع) راه برای دنیا طلبان باز شد و آن‌ها توانستند در فضای به وجود آمده، بر اساس میل شخصی به تفسیر قرآن پردازند. در حقیقت پدیده تفسیر به رأی مولود جدایی از اهل بیت (ع) است که آفات فراوانی در بین مسلمانان ایجاد کرده است.

در مقابل این جریان شوم؛ که بعضاً به صورت سازمان یافته و در قالب مکاتب تفسیری نیز در می‌آمد، اهل بیت (ع) قرار داشتند. این بزرگواران با نهی از ورود به چنین شیوه ناپسندی که قرآن را مستمسک امیال و هواها قرار می‌داد، و نیز با ارائه معارف صحیح پیروان خویش را از ورود به چنین جریاناتی منع کرده و آن‌ها را مصون می‌داشتند.

بنابراین، آنچه که در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ تفسیر به رأی و شیوه اهل بیت (ع) در برخورد با آن است؛ چرا که بر ما لازم است با راه‌کارها و عمل‌کردهای اهل بیت (ع) در برخورد با تفسیر به رأی آشنا شویم، زیرا عمل کردشان معیار و حجت شرعی برای ماست و در مباحث تفسیری ما نیازمند نگاه اهل بیت (ع) می‌باشیم.

پیشینه تحقیق

مسئله تفسیر به رأی و توجه به آن، به عصر نزول بر می‌گردد و در روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و اهل‌بیت (ع) از آن نهی شده است. همین امر باعث شد که دانشمندان اسلامی از همان آغاز به این مسئله توجه کرده و به تحقیق در ابعاد آن بپردازند. به طور مشخص می‌توان گفت که معمولاً مفسران در کتب تفسیری‌شان به این مسئله پرداخته‌اند. همچنین در کتب علوم قرآنی؛ مثل: «التمهید فی علوم القرآن» مرحوم معرفت، «التفسیر و المفسرون» ذهبی، «منطق تفسیر قرآن» رضایی اصفهانی، و کتبی از این قبیل، این بحث مطرح شده است. در این زمینه تک‌نگاشته‌هایی نیز به رشته تحریر درآمده است که از جمله آن می‌توان به جزوه «تفسیر به رأی» نوشته آیت الله مکارم شیرازی، «تفسیر به رأی» نوشته مجتبی رحمان دوست، مقاله «پژوهشی درباره دلایل مخالفان و موافقان تفسیر به رأی» نوشته محمد علی رضایی اصفهانی نیز اشاره کرد.

تذکر این نکته لازم است که با وجود تدوین کتب و مقالات متعدد در زمینه تفسیر به رأی و نیز با توجه به استفاده از روایات اهل‌بیت (ع) در این نوشتارها، نگارنده به نوشته‌ای برخورد نکرد که به استراتژی و نحوه برخورد اهل‌بیت (ع) با تفسیر به رأی پرداخته باشد، از این رو این نوشتار، در این زمینه منحصر به فرد بوده و در آن سعی شده که با توجه به روایاتی که از اهل‌بیت (ع) درباره تفسیر به رأی رسیده، استراتژی آن‌ها را در برخورد با این پدیده، استخراج و ارائه گردد.

بیان مسئله

هم‌چنان که می‌دانیم مفسران برای تفسیر آیات قرآن کریم از روش‌ها و شیوه‌های خاصی استفاده کرده و می‌کنند. معمولاً اتخاذ روش تفسیری برای هر مفسری متناسب با مبانی و اعتقادات آن مفسر است.

هر چند هر مفسری باید به علوم متعددی جهت تفسیر قرآن آشنا باشد، اما روشی که مفسر انتخاب می‌کند معمولاً متناسب با تبحر علمی مفسر در موضوعی خاص است. مثلاً مفسری که می‌خواهد از روش فلسفی در تفسیر استفاده کند، باید تبحر خاصی در فلسفه داشته باشد، هرچند به علوم دیگر نیز نیازمند است.

در این میان، برخی زحمت تحقیق و پژوهش و کسب علوم مورد نیاز تفسیر را به خود نداده و صرفاً بر اساس آراء و نظرات خویش در صدد تفسیر قرآن بر آمده‌اند، اینجاست که تفسیر به رأی شکل می‌گیرد و شخص بر اساس عقیده خویش در صدد تفسیر قرآن بر می‌آید. از دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی این قضیه به دو صورت می‌تواند باشد:

الف) هرگاه انسان عقیده‌ای برای خود اتخاذ کرده است و کوشش می‌کند شواهدی از قرآن و احادیث پیامبر و اهل بیت (ع) برای آن بترشد و هرگاه در میان آن‌ها چیزی که صریحاً یا شاهداً موافق عقیده او باشد؛ نیابد، ناچار برای رسیدن به مقصد خود آیات و روایاتی را انتخاب کرده و بدون هیچ گونه قرینه‌ای بر خلاف مفهوم ظاهر آن تفسیر می‌کند، چنین کاری را تفسیر به رأی می‌گویند (مکارم شیرازی، بی تا، ص ۲۳).

ب) یکی دیگر از معانی تفسیر به رأی این است که مفهوم جمله‌ای را آن چنان که قواعد ادبی و لغت اقتضا می‌کند بپذیریم ولی در تطبیق آن بر مصادیق مرتکب تحریف شویم و چیزی را که مصداق آن نیست بر طبق سلیقه شخصی خود، مصداق آن قرار دهیم (مکارم شیرازی، بی تا، ص ۲۷).

این نوشتار در دو بخش به بررسی موضوع تفسیر به رأی؛ آن هم با این نگاه که شیوه اهل بیت (ع) در برخورد با آن چه بود، می‌پردازد. در بخش اول به آشنایی با تفسیر به رأی و جایگاه آن در روایات پرداخته و در ادامه به بررسی استراتژی اهل بیت (ع) در برخورد با آن می‌پردازیم.

۱. آشنایی با تفسیر به رأی

قبل از ورود به بحث، لازم است که به پیشینه تفسیر به رأی اشاره کنیم. واقعیت این است که تاریخ دقیقی از ورود تفسیر به رأی در جامعه مسلمین در دست نیست، البته با توجه به روایاتی که از پیامبر اعظم (ص)؛ چه از طریق اهل سنت و چه از طریق شیعه، به دست ما رسیده، می‌توان حدس زد که تفسیر به رأی در عصر نزول؛ یعنی در عصر خود پیامبر (ص)، وجود داشته است. طبری به اسنادش از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرمود: «مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»؛ کسی که در قرآن به رأی

خویش سخن بگوید، جایگاهش در آتش خواهد بود (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۷). این روایت در تفاسیر شیعه نیز نقل شده است (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۷). اما این را می‌توان گفت که با وجود پیامبر (ص)، کسی توان تشکیل مکتب تفسیری که متکی به رای خویش باشد را نداشت، زیرا شخصیت و نفوذ پیامبر (ص) مانع این کار می‌شد. اما بعد از رحلت پیامبر اعظم (ص) و در پی انزوای اهل بیت (ع)؛ که وارثان علم پیامبر (ص) بودند، و با وجود حکومت‌هایی که گرایش به تفسیر به رأی و اعمال نظر در دین داشتند، زمینه تشکیل مکاتب و فرقه‌های مختلف فراهم شد. این مکاتب و مذاهب، که بسیاری از آن‌ها تحت حمایت حکومت‌های اموی و عباسی و در تقابل با اهل بیت (ع) بودند، برای تایید عقیده، مذهب و مکتب خویش، آیات قرآن را وسیله قرار داده و بعضاً با تفسیر کردن آیات قرآن بر اساس گرایش‌ها و رأی خاصی که داشتند؛ مردم را به سمت خویش متمایل می‌کردند.

به باور یکی از نویسندگان آغاز تفسیر به رأی، به عصر صحابه بر می‌گردد، اما توسعه آن در عصر تابعین بوده است. این نویسنده در ادامه به اسامی برخی از کسانی اشاره می‌کند که گفته شده در تفاسیرشان گرفتار تفسیر به رأی شده‌اند. از جمله این‌ها می‌توان به مجاهد، عکرمه و زید بن اسلم اشاره کرد (مؤدب، ۱۳۸۵ش، ص ۱۲۵). با مروری هرچند اجمالی، بر آثار گروه‌هایی؛ همچون اشاعره، معتزله، مرجئه، مشبهه، صوفیه و باطنیه می‌توان به موارد زیادی از تفسیر به رأی دست پیدا کرد. برخی از روایات ناظر به تشکیل مکاتب تفسیری در برابر اهل بیت (ع) می‌باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۷۶).

البته تفسیر به رأی تا امروز نیز ادامه پیدا کرده و همواره در میان مسلمانان عده‌ای بوده‌اند که قرآن را بر اساس رأی و میل خویش تفسیر می‌کردند. در زمان ما می‌توان به منافقین و ماتریالیست‌ها اشاره کرد که با استفاده از این شیوه، آیات قرآن را بر اساس مرام و مسلک خویش تفسیر می‌کردند. شهید مطهری در مقدمه کتاب علل گرایش به مادی‌گرایی به نقد و بررسی این تفاسیر پرداخته و در این باره می‌نویسد: «ماتریالیسم در ایران در یکی دو سال اخیر به نیرنگ تازه‌ای بس خطرناک‌تر از تحریف شخصیت‌ها

دست یازیده است و آن تحریف آیات قرآن کریم و تفسیر مادی محتوای آیات با حفظ پوشش ظاهری الفاظ است» (مطهری، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۴۵۸).
در اینجا لازم است به بررسی و تبیین برخی از واژگان موضوع تحقیق بپردازیم که عبارتند از:

۱-۱. مفهوم تفسیر

تفسیر در لغت از واژه «فَسَّرَ» به معنای آشکار کردن معنای معقول است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۳۶)، و در اصطلاح به معنای بر طرف کردن ابهام از لفظ مشکل؛ یعنی مشکلی که در رساندن معنای مقصود دارد؛ می باشد (معرفت، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۱۷).

۲-۱. مفهوم تفسیر به رأی

«رأی» در لغت به معنای ادراک است که یا با حس حاصل می شود، یا با وهم و خیال و یا با تفکر و تعقل. این واژه اگر متعدی به دو مفعول شود، به معنای علم می آید، مثل: «وَيَرَى الَّذِينَ أُوْتُوا الْعِلْمَ» (سبا: ۶) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۷۴). این واژه به معنی دیدن نیز می آید، مثل: «يَرَوْهُمْ مِثْلِهِمْ رَأَى الْعَيْنِ» (آل عمران: ۱۳)، همچنین به معنای نظر و دیدگاه انسان در کاری نیز می باشد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۲۳۳).
اما واژه «رأی»، علی رغم معانی و کاربردهای قرآنی آن، در روایات نیز به همراه واژه تفسیر آمده و معنایی منفی پیدا کرده است و این معنای منفی، همان تکیه کردن بر آراء شخصی بدون مراجعه به منابع اصلی و معتبر می باشد.
برای تفسیر به رأی تعاریف مختلفی شده است، که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

ایازی در *المفسرون* می نویسد: «مراد از تفسیر به رأی، تفسیر به استحسان، قیاس، ترجیح ظنی و یا بر اساس میل نفسانی و به تبعیت از هوای نفس می باشد» (ایازی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۸).

آیت الله جوادی آملی نیز در این باره می نویسد: «تفسیر به رأی این است که با معیارهای مفاهمه عرب مطابق نباشد و نیز موافق با اصول و علوم متعارفه عقلی نباشد»

و همچنین مطابق با خطوط کلی خود قرآن نباشد و...؛ اما تفسیر درایی مصون از آفت‌های یاد شده رواست» (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۱۷۷).

مرحوم خوئی نیز تفسیر به رأی را این چنین تعریف می‌کند: «احتمال دارد که تفسیر به رأی به معنای استقلال در فتوا بدون مراجعه به امامان (ع) باشد، در حالی که اینان قرین قرآن هستند و باید به آنان تمسک و مراجعه کرد. بنابراین اگر انسان با توجه به عمومات و اطلاقات قرآن، بدون توجه به تخصیصات و قیودی که از امامان (ع) آمده، عمل کند؛ این از باب تفسیر به رأی می‌باشد» (خوئی، بی تا، ص ۲۶۸).

البته آنچه که مرحوم خوئی بیان نموده‌اند، تبیین مصداقی از مصداق تفسیر به رأی می‌باشد؛ زیرا تفسیر به رأی فقط محدود به صدور فتوا نمی‌باشد.

ذهبی از دانشمندان اهل سنت معتقد است که تفسیر به رأی بر دو قسم ممدوح و مذموم می‌باشد. ایشان تفسیر به رأی ممدوح را تفسیری می‌داند که تمام شرایط تفسیر در آن رعایت شود و تفسیر به رأی مذموم را تفسیری می‌داند که مطابق با قوانین عرب و ادله شرعیه نباشد و مفسر در آن به شرایط تفسیر عمل نکند (ر.ک: ذهبی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۸۸).

البته تقسیم بندی ذهبی قابل قبول نیست؛ زیرا با اطلاق روایاتی که از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده، سازگاری ندارد. نکته دیگر اینکه تفسیر به رأیی که ذهبی آن را ممدوح دانسته، در حقیقت همان تفسیر اجتهادی در مقابل تفسیر روایی است، و شکی نیست که اگر تفسیر اجتهادی بر اساس روش آن باشد؛ جایز است (معرفت، ۱۳۸۶ش، ج ۹، ص ۷۴).

مرحوم معرفت به تقسیم بندی تفسیر به رأی پرداخته؛ می‌نویسد: «تفسیر به رأی که از آن نهی شده است، به دو گونه است:

۱- گروهی برای تایید عقیده، مذهب، و یا مسلک خویش، آیه‌ای از قرآن را مطابق دیدگاه خودشان تفسیر کنند. هدف این گروه تایید راه و مسلک خویش و یا فریب دادن مردم برای تحمیل عقایدشان بر آنها می‌باشد. در حقیقت اینان قرآن را وسیله‌ای برای رسیدن به اهدافشان قرار داده‌اند.

۲- وجه دوم این است که کسی به جهت استبداد در رأی خویش، برای فهم کلام خداوند متعال از روش خاص آن استفاده نکند و بدون مراجعه به کلام پیشینیان، و بدون توجه به اسباب نزول آیات و فقط بر اساس فهم خویش به تفسیر آیات پردازد (معرفت، ۱۳۸۶ش، ج ۹، ص ۶۳).

علامه طباطبایی نیز بعد از تبیین دقیق تفسیر به رأی، نهی از تفسیر به رأی را متعلق به استفاده از این شیوه دانسته و در این باره می‌نویسد: «تفسیر به رأی؛ که از آن نهی شده است، مربوط به طریق کشف است نه مکشوف؛ که همان نتیجه تفسیر به رأی می‌باشد. به بیان دیگر؛ نهی معصومین (ع) از این باب بوده که نباید با کلام خدا به مانند کلام دیگران برخورد کرد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۷۶).

این مطلب بدان معنا است که برای فهم کلام خداوند متعال باید از شیوه خاص آن استفاده کرد و نمی‌شود به همان روشی که کلام دیگران را تفسیر می‌کنیم، کلام خدا را نیز تفسیر کنیم. ایشان مستند مدعایشان را روایاتی از معصومین (ع) می‌داند که می‌فرمایند حتی اگر شخصی که تفسیر به رأی بکند و مطابق واقع در بیاید؛ باز به خطا رفته است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۷۶).

ایشان در ادامه می‌نویسد: «حاصل مطلب اینکه تفسیر به رأی که از آن نهی شده است، استقلال در تفسیر قرآن، بدون مراجعه به غیر است، البته مراد از این غیر، کتاب و سنت می‌باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۷۷).

نکاتی که از این تعاریف به دست می‌آید، عبارت است از:

- ۱- تفسیر به رأی از جدایی با اهل بیت (ع) و عدم استفاده صحیح از معارف آن‌ها نشأت می‌گیرد (البته اهل سنت تنها به احادیث پیامبر (ص) و صحابه توجه می‌کنند).
- ۲- عمل به قیاس، استحسان و مرجحات ظنی، از مصادیق تفسیر به رأی می‌باشد.
- ۳- تفسیر به رأی، راهی برای فریب مردم و جذب آنان به گروه‌ها و مکاتب انحرافی است.

۴- تفسیر به رأی، راه و روشی مذموم و ناپسند است، هر چند به نتیجه درست

برسد.

۵- در تفسیر به رأی، شخص حتی از علوم متعارف عقلی استفاده نکرده و از فهم عرفی نیز بی بهره است.

۶- میل شخصی، تبعیت از هوای نفس، تعصب به مذهب و عقیده ناصحیح از عوامل تفسیر به رأی می‌باشد.

۷- اگر مفسر بعد از جستجو و بررسی قرائن متصل و منفصل از کتاب و سنت، یا دلیل عقلی بر اساس ظاهر آیه نظری داد، تفسیر به رأی محسوب نمی‌شود، اساساً تفسیر محسوب نمی‌شود [بلکه برداشت و درایه مفسر محسوب می‌شود] (خویی، بی تا، ص ۲۶۸).

۲. روایات نهی از تفسیر به رأی

روایات متعددی چه از طریق شیعه و چه از طریق اهل سنت، وارد شده که از تفسیر به رأی نهی کرده است. این روایات را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱- روایاتی که تفسیر به رأی را در حکم افترا بر خداوند می‌داند، مانند: «حدث سعید بن المسیب عن عبد الرحمن بن سمره قال: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَقَدْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ...»؛ سعید بن مسیب از عبدالرحمن بن سمره نقل کرده که گفت: ما در محضر پیامبر (ص) بودیم که فرمود: «کسی که قرآن را تفسیر به رأی کند، بر خدا دروغ بسته است...» (حلی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۹).

۲- روایاتی که تفسیر به رأی را مایه خروج از دین می‌داند، مانند: «عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْحُكُومَةِ؟ فَقَالَ: «مَنْ حَكَّمَ بِرَأْيِهِ بَيْنَ اثْنَيْنِ فَقَدْ كَفَرَ وَ مَنْ فَسَّرَ بِرَأْيِهِ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرَ»؛ از عمار بن موسی نقل شده که از امام صادق (ع) درباره حکومت سوال شد؛ امام فرمودند: «کسی که بر اساس نظر شخصی خود، بین دو نفر حکم کند کافر شده است و نیز کسی که بر اساس نظر و میل شخصی خویش، آیه‌ای از کتاب خدا را تفسیر کند، قطعاً کافر شده است» (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۱۸).

در نمونه دیگری آمده است: «عَنْ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ: مَا أَمَّنَ بِي مَنْ فَسَّرَ بِرَأْيِهِ كَلَامِي وَ مَا عَرَفَنِي مَنْ شَبَّهَنِي بِخَلْقِي وَ مَا عَلَى دِينِي مَنْ اسْتَعْمَلَ

الْقِيَّاسَ فِي دِينِي»؛ ریان بن صلت نقل می‌کند که امام رضا (ع) از پدرش و او از پدرانش (ع)، از امیر مؤمنان علی (ع) نقل کرده؛ که فرمود: «پیامبر (ص) فرمود: خدای جل جلاله فرمود: به من ایمان نیاورده است کسی که کلام مرا به رأی خویش تفسیر کند و نشناخته است مرا کسی که مرا به مخلوقم تشبیه کند و بر دین من نیست کسی که در دین من قیاس را به کار گیرد» (صدوق، ۱۳۶۲ش، ص ۶).

۳- دسته‌ای از روایات تفسیر به رأی را مایه هلاکت دانسته‌اند. در روایتی پیامبر (ص) به گروهی که مجادله می‌کردند؛ فرمود: «کسانی قبل از شما به واسطه اینکه بعضی از آیات کتاب خدا را [بدون ضابطه و معیار] بر بعض دیگر می‌زدند؛ هلاک شدند، در حالی که آیات کتاب خدا، یکدیگر را تصدیق می‌کنند و برخی از آن، بعض دیگر را تکذیب نمی‌کند، بنابراین آنچه را که از قرآن فهمیدید بگویند و آنچه را ندانستید به اهلس واکذار کنید» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶).

۴- دسته دیگر از روایات به عذاب تفسیر به رأی کننده قرآن، اشاره کرده‌اند، مانند: «عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) وَ سَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بَرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»؛ از ابن عباس از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود: «کسی که در قرآن بر اساس رأی و نظر خویش چیزی بگوید، جایگاهش در آتش خواهد بود» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۷).

در عوالم اللالی نیز از پیامبر (ص) نقل شده که آن حضرت فرمود: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بَرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»؛ کسی که قرآن را بر اساس رأی خویش تفسیر کند، جایگاهش در آتش خواهد بود (احسانی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۱۰۴).

۵- برخی دیگر از روایات، تصریح می‌کنند که اگر از راه تفسیر به رأی به نتیجه درست هم رسیده شود، باز این کار جایز نیست. به عنوان مثال پیامبر (ص) فرمودند: «مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بَرَأْيِهِ فَأَصَابَ فَقَدْ أَخْطَأَ»؛ کسی که در قرآن بر اساس رأی خویش چیزی بگوید، حتی اگر درست در بیاید، قطعاً خطا کرده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۷).

همچنین از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بَرَأْيِهِ فَأَصَابَ لَمْ يُوجَرْ فَإِنَّ أَخْطَأَ كَانَ إِثْمُهُ عَلَيْهِ»؛ کسی که قرآن را بر اساس رأی خویش تفسیر کند،

اگر به واقع هم برسد ماجور نیست و اگر خطا کند، گناهِش بر او می‌باشد (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۱۷).

این دو روایت به خوبی نشان می‌دهد که در تفسیر به رأی آنچه که مذموم است، طریق و روشی است که مفسر به کار می‌گیرد، یعنی بدون ضابطه و خارج از چارچوب قواعد تفسیری اگر کسی به تفسیر قرآن دست بزند به خطا رفته است، هر چند نتایجی که به دست بیاورد صحیح باشد.

روایات دیگری نیز در این زمینه نقل شده که ما به همین مقدار بسنده کرده و به نکاتی که از این روایات برداشته شده، اشاره می‌کنیم:

در روایات «برآیه» گفته شد نه «بعقله»، این نشان می‌دهد که اگر تفسیر بر اساس قواعد عقل سلیم و با استفاده از روش صحیح باشد، تفسیر به رأی نیست. همچنین رأی به ضمیر «ه» اضافه شده و این، نهی از رأی خود شخص است، نه رأی و نظری که برگرفته از ادله و منابع صحیح؛ مانند کتاب و سنت و عقل باشد.

در تفسیر به رأی تفاوتی ندارد که مفسر یک آیه را تفسیر کند یا بخشی از آن و یا تمام آن را، (چرا که) امام صادق (ع) (فرمود): «آیه من کتاب الله»، [بنابراین حتی یک آیه را هم تفسیر به رأی کند، مرتکب عمل حرامی شده است] (علوی مهر، ۱۳۸۱ش، ص ۱۷۹).

از جمله نکات دیگر این روایات آن است که؛ نهی از تفسیر به رأی، مربوط به طریق کشف است نه مکشوف و در نهایت روایات از استقلال در تفسیر قرآن نهی کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۷۶).

۳. استراتژی اهل بیت (ع) در برخورد با تفسیر به رأی

هم‌چنان که گفته شد یکی از مسائلی که مخصوصاً بعد از عصر پیامبر (ص) به وجود آمد، تفسیر به رأی بود، به گونه‌ای که برخی از گروه‌ها و فرقه‌ها برای توجیه آراء و عقاید با این شیوه به تفسیر قرآن پرداخته و آیات را بر اساس دیدگاه‌های خود تفسیر می‌کردند. این مسئله که آفت بزرگی بود که جامعه اسلامی را گرفتار خود کرده بود، ائمه (ع) را بر آن داشت که با آن مقابله کنند و با ارائه شیوه صحیح تفسیر قرآن، طالبان

حق را از گرفتار شدن به دام تفسیر به رأی مصون بدارند. استراتژی‌ها و شیوه‌های برخورد ائمه (ع) با این پدیده شوم متفاوت بوده است.

برای به دست آوردن استراتژی اهل بیت (ع) در برخورد با تفسیر به رأی، لازم است که روایات موجود در این زمینه مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در این نوشتار برخی از این روایات بررسی شده و بر اساس آن‌ها پنج استراتژی به دست آمده که در برخورد با پدیده تفسیر به رأی از طرف اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، به کار گرفته می‌شده است که در ادامه به بررسی و تبیین این راه‌کارها می‌پردازیم.

۳-۱. منع و تحذیر از تفسیر به رأی

هم‌چنان که در صفحات قبل ذکر شد اهل بیت (ع) به شدت با تفسیر به رأی مخالفت کرده و سزای انجام دهنده آن را خروج از ایمان و ورود به آتش جهنم دانسته‌اند. در توحید صدوق آمده است که امام حسین (ع) در جواب مردم بصره که از معنای صمد در «اللَّهُ الصَّمَدُ» سوال کرده بودند، می‌نویسد: «أَمَّا بَعْدُ فَلَا تَخُوضُوا فِي الْقُرْآنِ وَ لَا تُجَادِلُوا فِيهِ وَ لَا تَتَكَلَّمُوا فِيهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»؛ اما بعد! در قرآن وارد نشوید و در آن مجادله نکنید و بدون علم و آگاهی درباره آن سخن نگوئید، به تحقیق از جدم رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: کسی در [تفسیر] قرآن بدون علم و آگاهی سخنی بگوید، هر آینه جایگاهش در آتش خواهد بود (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۹۰).

به طور کلی اهل بیت (ع) با هر جریان انحرافی که سعی در صدد ضربه زدن به بنیان‌های اسلام داشتند؛ مقابله می‌کردند. در این میان، مسئله تفسیر به رأی به جهت آثار شومی که داشت، به خوبی مورد توجه اهل بیت (ع) قرار گرفته بود. این بزرگواران با هر شخص و یا گروهی که در صدد تفسیر به رأی بر می‌آمدند، با سلاح علم به مقابله بر می‌خواستند و مردم را از خطرات این گروه‌ها آگاه می‌کردند.

اهل بیت (ع) با معرفی گروه‌هایی که برای توجیه افکار غلط خویش، دست به تفسیر آیات قرآن می‌زدند، مردم را از نزدیکی به اینان بر حذر می‌داشتند. در روایتی از امام علی (ع) نقل شده که آن حضرت به مردم توصیه فرمودند که بچه‌هایتان را با دانش

ما آشنا کنید تا مرجئه با آراء خویش بر آن‌ها غلبه پیدا نکنند (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۷۸).

۲-۳. هشدار به مفسران فاقد صلاحیت

مواردی در روایات آمده است که امامان معصوم (ع) کسانی را که قرآن را بدون استفاده از منبع اصلی آن و با رأی خویش تفسیر می‌کرده‌اند توبیخ کرده و به آنان هشدار داده‌اند. ما در اینجا به سه نمونه اشاره می‌کنیم.

۱-۲-۳. برخورد امام باقر (ع) با قتاده

مرحوم کلینی در کافی از زید شحام نقل کرده، که گفته است: روزی قتاده بن دعامه بر امام باقر (ع) وارد شد. حضرت از او سوال کرد: «آیا تو فقیه اهل بصره هستی؟» قتاده گفت: این گونه گمان می‌کنند. (تا آنجا که امام باقر (ع) به قتاده فرمود: وای بر تو ای قتاده! اگر تو قرآن را از جانب خودت [و بر اساس رأی خویش] تفسیر می‌کنی، قطعاً خودت هلاک شده‌ای و دیگران را نیز هلاک کرده‌ای و اگر بر اساس مطالبی که از دیگران گرفته‌ای، این کار را انجام می‌دهی، قطعاً خودت هلاک شده‌ای و دیگران را نیز هلاک کرده‌ای» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۸، ص ۳۱۱).

قتاده عالمی بزرگ و از تابعین می‌باشد. علی بن مدینی گفته است که علم بصره به دو نفر؛ یکی یحیی بن ابی کثیر و دیگری قتاده منتهی می‌شود. برخی معتقدند که قتاده از معتقدین به قدریه بوده است. وی دارای کتاب تفسیر بوده که خطیب بغدادی و طبری از آن در کتاب‌هایشان استفاده کرده‌اند (معرفت، ۱۳۸۶ش، ج ۹، صص ۳۵۰-۳۵۳).

۲-۲-۳. برخورد امام صادق (ع) با ابوحنیفه

نقل شده است که امام صادق (ع) وقتی به منطقه حیره عراق آمد، ابوحنیفه بر ایشان وارد شده و سولاتی را از آن حضرت پرسیدند. از جمله اینکه؛ ابوحنیفه گفت: فدایت شوم، از مراد کلام خداوند: «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکواثر: ۸)، مرا آگاه فرما. حضرت فرمود: «ای ابوحنیفه از نظر خودت به چه معناست؟» گفت: در ایمن بودن از خطرات و موانع، سلامتی بدن و غذای حاضر.

امام صادق (ع) فرمود: «ای ابوحنیفه اگر خداوند بخواهد در قیامت تو را نگه دارد تا از هر غذایی که خورده‌ای و هر شربتی که نوشیده‌ای؛ از تو سوال بپرسد، توقفت در قیامت طولانی می‌گردد.»

ابوحنیفه سوال کرد: فدایت شوم پس «نعیم» چیست؟

امام صادق (ع) فرمود: «نعیم ما هستیم که خدا به واسطه ما مردم را از گمراهی نجات داده و آن‌ها را از نابینایی بینا کرده و به واسطه ما آن‌ها را تعلیم داده و از جهل به در می‌آورد» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۶، ص ۲۴۹).

می‌دانیم که ابوحنیفه امام گروه حنفی از گروه‌های اهل سنت می‌باشد که به قیاس و رأی در فتوا دادن و بیان آیات الهی شهره بوده است و بارها امام صادق (ع) او را از این کار نهی می‌کردند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۵۸).

۳-۲-۳. بر خورد با مکاتب انحرافی؛ مثل صوفیه

امام صادق (ع) در احتجاج با سران صوفیه که از جمله کارهای آن‌ها تفسیر قرآن بر اساس رأی و نظر خویش بوده است، به رد این شیوه آن‌ها پرداخته است. حضرت در جواب صوفیه که با استفاده از آیاتی از قرآن درباره ایثار و زهد استدلال می‌کردند؛ فرمود: «آیا شما به ناسخ و منسوخ قرآن، محکم و متشابه آن؛ که در مثل آن گمراه شد کسی که گمراه شد و هلاک شد کسی که هلاک شد از این امت، علم دارید؟».

وقتی آن‌ها گفتند به برخی از این موارد علم داریم و نه به همه آن، حضرت به آنان فرمود: «پس از اینجا [در هلاکت] وارد شدید. در ادامه فرمود: «به بد راهی وارد شدید و با این کار مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) جاهل کردید...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، صص ۱۸۳-۱۸۴).

۳-۳. تخطئه تفسیرها و برداشت‌های ناروا از قرآن

در روایتی که از کافی ذکر کردیم آمده است که امام باقر (ع) از قتاده درباره تفسیر آیه: «وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيْرُوا فِيهَا لِيَالِيَّ وَ أَيْاماً» (سبأ: ۱۸) سوال کرد، قتاده در تفسیر این آیه گفت: مراد از این آیه کسی است که با توشه و مرکبی حلال، قصد زیارت خانه خدا را دارد، این شخص تا زمانی که از این سفر به سوی اهلش باز می‌گردد؛ در امان است.

امام باقر (ع) فرمودند: «ای قتاده تو را به خدا قسم می‌دهم که آیا نمی‌دانی [خبر نداری] که گاهی اوقات شخصی با توشه و مرکب و وسیله حلال از منزلش خارج می‌شود در حالی که این خانه [خانه خدا] را قصد کرده و راهزنان راه را بر او بسته و علاوه بر اینکه نفقه و خرجی‌اش را می‌برند، او را نیز مجروح می‌کنند؟» قتاده در جواب گفت: خدا می‌داند، بله (این چنین است).

امام بعد از هشدار به قتاده، تفسیر آیه را بیان فرمودند: «ای قتاده این درباره کسی است که با توشه و مرکب و وسیله حلال به سمت این خانه حرکت می‌کند، در حالی که به حق ما آشناست و قلباً ما را می‌خواهد، همان طور که خدای متعال فرمود: «فَأَجْعَلُ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (ابراهیم: ۳۷)، در این آیه اگر بیت (خانه خدا) قصد شده بود، هر آینه می‌گفت: «إليه». بنابراین، ما همان دعوت ابراهیم (ع) هستیم، که اگر کسی از صمیم قلب ما را دوست داشته باشد؛ حشش قبول می‌گردد و گرنه؛ نه. ای قتاده اگر کسی این چنین باشد از آتش جهنم در روز قیامت در امان است (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۸، ص ۳۱۱).

همچنین شیخ صدوق در معانی الاخبار از حسن بن علی و شاء نقل می‌کند که امام رضا (ع) به او فرمود: «ای حسن! مردم چگونه این آیه را قرائت می‌کنند: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» (هود: ۴۶)، گفتم: به گونه‌ای قرائت می‌کنند که نتیجه آن نفی فرزندی این پسر از پدرش (نوح) می‌شود.

امام رضا (ع) فرمودند: «هرگز چنین نیست؛ زیرا او فرزندش بوده است، اما چون خدای عز و جل را معصیت کرده بود، خداوند فرزندی او را (از نوح) نفی کرده است» (صدوق، ۱۳۶۱ش، ص ۱۰۶).

از اینکه حضرت پیش از تفسیر صحیح آیه، قرائت دیگران را از آیه می‌پرسد و قرائتی که معنای نادرستی از آیه ارائه می‌دهد را تکذیب می‌کند، روشن می‌شود که حضرت، افزون بر تفسیر صحیح آیه، خواسته است تفسیر و برداشت نادرست از آیه را انکار و تخطئه کند و این کاری غیر از تفسیر آیات است (بابایی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲).

۳-۴. نشان دادن مرجع علمی جهت تفسیر صحیح قرآن

یکی دیگر از شیوه‌هایی که می‌توان از روایات برداشت کرده و به عنوان استراتژی اهل‌بیت (ع) در برخورد با تفسیر به رأی از آن یاد کرد، نشان دادن مرجع علمی جهت دریافت تفسیر صحیح قرآن است. این کار ضمن نشان دادن الگوی صحیح، مردم را از مراجعه به ناهلان باز می‌داشت. در این باره روایاتی وارد شده که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

شیخ صدوق در کتاب توحیدش روایت مفصلی را از امیر مؤمنان علی (ع) نقل می‌کند، که به بخشی از آن اشاره می‌شود. شخصی به نزد امام علی (ع) آمد و عرضه داشت که در کتاب خدا به شک افتادم، حضرت فرمود: «مادرت به عزایت بنشیند» تا آنجا که فرمود: «پرهیز از اینکه قرآن را بر اساس رأی و نظر خودت تفسیر کنی، تا اینکه آن را از طریق علما بفهمی، زیرا چه بسا کلامی که نازل شده به کلام بشر [از لحاظ ظاهر] شبیه باشد، در حالی که کلام خداست و تأویل آن شبیه به کلام بشر نیست» (صدوق، ۱۳۹۸ق، صص ۲۵۵-۲۶۵).

امام صادق (ع) نیز در حدیث مفصلی که از ایشان نقل شده است، درباره لزوم مراجعه به عالمان واقعی به قرآن؛ که اوصیای پیامبر (ص) هستند، می‌فرماید: «جز این نیست که مردم در آیات متشابه (قرآن) هلاک شدند؛ زیرا به معنای آن دست پیدا نکردند و حقیقت آن را نشناختند، از این رو بر اساس آراء و تمایلات خودشان تأویلی برای آن ارائه کردند و از این طریق [به خیال خودشان] از پرسیدن از جانشینان پیامبر (ص) بی‌نیاز شدند و فرموده پیامبر (ص) را به پشت سرشان انداختند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۲۰۰).

بنا بر این احادیث و احادیث متعدد دیگری که در این باره وارد شده و ما به جهت اختصار از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم، یکی از راه‌های ایمن ماندن از تفسیر به رأی، تمسک به اهل‌بیت (ع) در کنار قرآن کریم است، که این مضمون روایت معروف ثقلین است که شیعه و اهل سنت آن را نقل کرده‌اند. بر اساس روایت ثقلین مادامی که مسلمانان به قرآن و اهل‌بیت (ع) با هم تمسک بجویند و از این دو جدا نشوند، هیچ‌گاه گمراه نمی‌گردند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۳۳).

روشن است که تفسیر به رأی یکی از مصادیق بارز گمراهی است که علاوه بر گمراهی مفسر، زمینه گمراهی دیگران را نیز فراهم می‌کند.

۳-۵. آموزش شیوه صحیح تفسیر قرآن کریم

اهل بیت عصمت و طهارت در این زمینه دو کار انجام داده‌اند:

الف) در موارد متعددی که به تفسیر آیاتی از قرآن پرداخته‌اند، به بیان شیوه تفسیر آیه نیز پرداخته‌اند. البته در برخی موارد نیز در پاسخ سوالات کسانی که از نحوه تفسیر آیه‌ای که تفسیر می‌شد؛ سوال می‌کردند، به بیان روش تفسیر پرداخته‌اند. هرچند باید گفت که این موارد به طور کامل جمع‌آوری نشده و برای این کار نیاز به فعالیت پژوهشی جدی می‌باشد.

شیوه‌هایی که اهل بیت (ع) در تفسیر آیات استفاده می‌کردند و می‌توان از روایات آنان استخراج کرد، عبارت است از: توجه به گوینده کلام، توجه به روایات دیگر معصومان (ع)، توجه به ادبیات کلام، توجه به سیاق کلام، توجه به معلومات و مفاهیم عقلی، فهم معنا با توجه به سایر آیات (تفسیر قرآن به قرآن) (بابایی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۱۳۲).

به عنوان نمونه امام سجاد (ع) در تفسیر آیه: «وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً» (انبیاء: ۱۱)، قریه را به معنای اهل می‌گیرند و برای اثبات این معنا به سیاق آیه: «وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ» (انبیاء: ۱۱)، اشاره می‌کنند (ر.ک: عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۱۴).

البته با نگاه به روایتی که در رد مکاتب تفسیر به رأی؛ مثل صوفیه آمده، نیز می‌توان به شیوه تفسیر صحیح آیات دست پیدا کرد. در روایت احتجاج امام صادق (ع) با صوفیه می‌توان به برخی از معیارهای تفسیر صحیح، اشاره شده است:

۱- دانستن ناسخ و منسوخ قرآن.

۲- آگاهی از محکم و متشابه.

۳- توجه به احادیث مأثور از معصومین (ع).

۴- مراجعه به اهل علم (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، صص ۱۸۳-۱۸۴).

ب) اهل بیت (ع) با تربیت شاگردان زبده، روش صحیح تفسیر آیات را به آنان و از طریق آنان، به مسلمانان و طالبان علم انتقال می‌دادند. امامان معصوم به دو شیوه: عادی و عمومی به عموم افراد و شیوه فوق‌العاده و خصوصی، قرآن را تفسیر می‌نمودند (بابایی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۰۲).

ابن عباس، سعید بن جبیر، ابان بن تغلب و بسیاری دیگر از شخصیت‌های برجسته تفسیری، دانش آموخته مکتب اهل بیت (ع) بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

تفسیر به رأی که به معنای تفسیر آیات قرآن بر اساس رأی و نظر شخصی و بدون توجه به معیارهای تفسیر کلام خدا می‌باشد، یکی از روش‌های تفسیری است که متأسفانه از آغاز نزول اسلام تاکنون، به منظور نیل به اهداف و اغراض فردی و یا مکتبی، به آن تمسک شده است. واقعیت این است که تفسیر به رأی را اساساً نمی‌توان تفسیر گفت، زیرا هدف از تفسیر؛ کشف ابهام لفظ برای رسیدن به مقصود گوینده است، در حالی که در تفسیر به رأی مفسر در صدد تحمیل نظر و یا عقیده خویش بر قرآن کریم است و به هیچ وجه در صدد رسیدن به مراد گوینده کلام نیست.

اهل بیت (ع) برای جلوگیری از این انحراف، با روش‌های مناسبی با این پدیده مقابله کرده و جامعه را نسبت به این مسئله آگاه می‌کردند. در این تحقیق بر اساس تعدادی از روایات به پنج استراتژی اهل بیت (ع) در برخورد با این پدیده انحرافی اشاره شده است:

۱- نهی از تفسیر به رأی و بیان عاقبت کسی که قرآن را بر اساس رأی خویش تفسیر کند.

۲- تخطئه مفسران و مکاتبی که گرفتار تفسیر به رأی می‌شدند.

۳- تخطئه و نقد تفاسیر به رأی با تبیین و تفسیر صحیح آیات.

۴- معرفی مرجع حقیقی تفسیر قرآن؛ که در حقیقت خود اهل بیت (ع) می‌باشند.

۵- آموزش شیوه صحیح تفسیر قرآن به دو صورت عمومی و خصوصی.

در پایان موارد زیر نیز به عنوان پیشنهاد ارائه می‌گردد:

۱. با توجه به اینکه تفسیر به رأی هیچ گاه از بین نرفته و امروزه نیز هر گروه و جریان‌ی سعی می‌کند با تفسیر آیات قرآن بر اساس آراء و عقایدشان، برای خود وجه‌ای درست کنند و جوانان را به سمت خود بکشانند، هم‌چنان که از شهید مطهری نقل شد حتی ماتریالیست‌ها نیز با این کار در صدد جذب افراد به سمت خودشان بوده‌اند، باید با ترویج تفاسیر معتبر و نیز با نقد تفاسیر به رأی، جلوی انحراف جوانانی که به دنبال معارف قرآنی هستند را گرفت.

۲. به جهت اینکه تفسیر قرآن کار ظریفی است و بسیاری نیز ناخواسته در راه تفسیر آن، به تفسیر به رأی گرفتار می‌شوند، خوب است که با آموزش شیوه صحیح تفسیر قرآن و نیز برگزاری کارگاه‌های آشنایی با تفسیر به رأی جهت دانش پژوهان و فعالان عرصه پژوهش‌های قرآنی، از این آسیب جلوگیری کرد.

۳. به نظر می‌رسد لازم است شیوه اهل بیت (ع) در تفسیر قرآن استخراج و تدوین شود، این دستاورد علمی می‌تواند در مصون ماندن از تفسیر به رأی موثر باشد.

کتابنامه

قرآن کریم.

احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵ق)، *عوالی اللالی*، قم: انتشارات سیدالشهدا (ع).
ایازی، محمدعلی (۱۴۱۴ق)، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، تهران: موسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

بابایی، علی اکبر (۱۳۸۱ش)، *مکاتب تفسیری*، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت.

همو (۱۳۸۷ش)، *تاریخ تفسیر قرآن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش)، *تفسیر تسنیم*، قم: اسراء.

حر عاملی، محمد بن علی (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: موسسه آل‌البیت، ج ۲.

حلی، علی بن یوسف (۱۴۰۸ق)، *تذکره الفقهاء*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

خویی، ابوالقاسم (بی‌تا)، *البيان فی تفسیر القرآن*، قم: دارالحکمه.

ذهبی، محمد حسین (۱۴۲۱ق)، *التفسیر و المفسرون*، قاهره: مکتبه وهبه، ج ۷.

راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق: دارالعلم.

- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۱ش)، معانی الاخبار، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین.
- همو (۱۳۶۲ش)، امالی، قم: انتشارات کتابخانه اسلامی، چ ۴.
- همو (۱۳۹۸ق)، توحید، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چ ۲.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین، چ ۵.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چ ۳.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- عروسی حویزی، علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، چ ۴.
- علوی مهر، حسین (۱۳۸۱ش)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، تهران: انتشارات اسوه.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ش)، تفسیر عیاشی، تهران: چاپخانه علمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۴.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶ش)، مجموعه آثار، تهران: صدرا، چ ۱۴.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۶)، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، تفسیر به رأی، قم: انتشارات مطبوعاتی هدف.
- مؤدب، سید رضا (۱۳۸۵)، روش‌های تفسیر قرآن، قم: انتشارات دانشگاه قم.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم: موسسه آل البيت.